

در عقایدش تجدید نظر کرد و اکنون گفته‌ها و نوشته‌هایش در جهت دفاع از آزادی و دموکراسی است. یکی از ویژگی‌های کار ادبی این نویسنده، علاوه بر حجم آثارش، تنوع موضوعاتی است که برمی‌گزیند. او در زمره آن نویسندگانی نیست که همیشه یک نوع کتاب می‌نویسند، حتی اگر مسیر تک‌تک نوشته‌هایش را از ابتدا دوباره طی نکنیم، سه‌رمان آخرش به خوبی روشنگر این مدعاست: "جنگ آخر دنیا" مانند یک نقاشی دیواری بزرگ از تاریخ گذشته سخن می‌گوید، "ماجرای مائیتا" به دوران معاصر باز می‌گردد و مسئله موضع‌گیری سیاسی را مطرح می‌کند. در کتاب اخیرش "چه کسی پالومینومولرو را کشت؟ شیوه‌رمان پلیسی را برای نخستین بار با مهارت می‌آزماید.

رمان "ماجرای مائیتا"، یکی از کارهای اخیر ماریو وارگاس یوسا، حکایتی است از جهان سوم و کتابی استثنائی و خواندنی برای مردمان جهان سوم. هرچند این کتاب پس از انتشار به سرعت از اسپانیایی به انگلیسی، فرانسوی و سایر زبان‌های اروپائی ترجمه شد و به خاطر قدرت ادبی و ساختار بدیعی با اقبال عمومی مواجه گردید، اما برای خواننده آمریکائی یا اروپائی رمانی است از میان دهها رمان که هرساله نویسندگان سرشناس منتشر می‌کنند و موضوع آن نیز موضوعی است از میان صدها موضوع که می‌تواند توجه نویسنده را به خود جلب کند. اما "ماجرای مائیتا" برای نسل درگیر با مسائل انقلاب در جهان سوم ابعاد دیگری دارد. چه بسا افرادی که خود را کم و بیش در مائیتا و آنچه بر او گذشته است باز می‌شناسند. هنگامی که ترجمه رمان "قطره اشکی در اقیانوس" نوشته مانس اشپیرر به فارسی منتشر شد، از بسیاری کسان با گرایش‌های سیاسی متفاوت شنیدیم که بخشی از زندگی خود را در این رمان باز یافته‌اند. البته آن کتاب شرحی بود از وضعیت احزاب کمونیست اروپا و گروه‌های درگیر با آن در آستانه اوج‌گیری فاشیسم در آلمان و مصائب ناشی از جنگ جهانی دوم. تنها وجه مشابه برای خواننده ایرانی را در شیوه عمل استالینی احزاب و گروه‌های کمونیست می‌توانستیم بیابیم، چه آنهایی که استالین و روش‌های حزبی او را پذیرفته و چه آنهایی که آن را طرد کرده بودند، چه آنهایی که از شوروی پیروی می‌کردند و چه آنهایی که با آن در تعارض بودند. چرا که شیوه عمل استالینی برای همه آنان سنت شده بود. در کتاب "ماجرای مائیتا" وجه تشابه به مسائل درونی گروه‌ها محدود نمی‌گردد. خواننده جهان سومی در تصویری که وارگاس یوسا از لیما، پایتخت پرو عرضه می‌کند، پایتخت کشور



سیماکوبان

## چهره نگاری یک انقلابی جهان سوم

کشورهای اسپانیائی زبان) را برد. این نویسنده اهل کشور پرو که از چند سال پیش نامش به عنوان یکی از برندگان احتمالی جایزه نوبل مطرح شده، در دوران طولانی دیکتاتوری نظامیان در پرو از وطنش به اروپا مهاجرت کرد و با ادبیات و فرهنگ اروپائی به اندازه فرهنگ سرزمین خود آشنائی دارد، تا آنجا که در لندن با او همچون روشنفکر انگلیسی، در پاریس همچون روشنفکر فرانسوی و در مادرید همچون روشنفکر اسپانیائی، برخورد می‌شود.

ماریو وارگاس یوسا نویسنده‌ای متعهد است که به کار نویسندگی و فعالیت اجتماعی همزمان می‌پردازد و در برابر تمام مسائل مهم اجتماعی - سیاسی موضع مشخص و روشن اتخاذ می‌کند. از برخورد با نمایندگان مطبوعات نمی‌گریزد و مصاحبه‌هایش در باره موضوعات مختلف غالباً در مجلات معروف جهان منتشر می‌شود. او ابتدا در رده روشنفکران چپ‌گرای غربی جای داشت، اما در رابطه با وقایع و حوادث مشخص به تدریج

ماریو وارگاس یوسا که پس از انتشار شهر و سگ‌ها (۱۹۶۲) شهرت جهانی یافت، بار دیگر درخشید و آخرین رمانش "چه کسی پالومینومولرو را کشت؟" جایزه رومولوگالدگوس (ویژه آمریکای لاتین) و جایزه سروانتس (ویژه کشورهای اسپانیائی زبان) را برد. این نویسنده اهل کشور پرو که از چند سال پیش نامش به عنوان یکی از برندگان احتمالی جایزه نوبل مطرح شده، در دوران طولانی دیکتاتوری نظامیان در پرو از وطنش به اروپا مهاجرت کرد و با ادبیات و فرهنگ اروپائی به اندازه فرهنگ سرزمین خود آشنائی دارد، تا آنجا که در لندن با او همچون روشنفکر انگلیسی، در پاریس همچون روشنفکر فرانسوی و در مادرید همچون روشنفکر اسپانیائی، برخورد می‌شود.

ماریو وارگاس یوسا که پس از انتشار شهر و سگ‌ها (۱۹۶۲) شهرت جهانی یافت، بار دیگر درخشید و آخرین رمانش "چه کسی پالومینومولرو را کشت؟" جایزه رومولوگالدگوس (ویژه آمریکای لاتین) و جایزه سروانتس (ویژه

خود را بازمی‌یابد. مسائلی چون مهاجرت روستائیان به مرکز، زاغه‌نشینی، فقر روزافزون بیکاری، اعتیاد، نارسائی خدمات شهری و غیره... برای هر پایتخت‌نشینی در جهان سوم آشنا و ملموس است. وارگاس یوسا بر چنین تابلوی زمینهای از لیمای امروز در جستجوی بازشناسی چگونگی نخستین حرکت انقلابی نافرجام در بیست و پنج سال پیش است. با برخی از انقلابی‌های زیرزمینی آن زمان که امروز از مقامات مهم مملکتی هستند به گفتگو می‌نشیند. چهره‌ای که از آنان تصویر می‌کند به طرز حیرت‌انگیزی با برخی از انقلابیون پربروز و مقامات مملکتی دیروز ما شباهت دارد. اختلاف بین احزاب و گروه‌های چپ، شیوه برجسب‌زنی حزب کمونیست طرفدار مسکو - هرکس با آن به مخالفت برخیزد عامل سازمان سیا است! انشعاب‌های پیاپی در گروهک‌ها بر سر طرائف ایدئولوژیکی، جلسات پایان‌ناپذیری که برای حل هر مسئله‌ای یا بحث پیرامون انقلاب اکتبر شروع می‌شود و عاقبت اصل مسئله حل‌نشده باقی می‌ماند. انقلابی حرفهای خودساخته‌ای که به منظور ترجمه مباحث دقیق ایدئولوژیکی به تنهایی زبان فرانسه را می‌آموزد، اما کی‌جواب - زبان محلی سرخپوستان کشورش - را نمی‌داند، روستائیانی که قرار است انقلاب با حمایت آنان به ثمر برسد. همه اینها خاص پرونیست و مردم سایر کشورهای جهان سوم کم و بیش با آن آمیخته شده‌اند. یک منتقد آرژانتینی "مائیتا" را به عنوان یتیمی سیاسی و یک انقلابی ورشکسته معرفی می‌کند که سرنوشت آمریکای لاتینی خود را تجربه کرده است. اما این سرنوشت، آمریکای لاتینی نیست بلکه جهان سومی است. تاکنون هیچ کتابی را از نظر جغرافیایی اینقدر دور و از نظر محتوایش اینقدر نزدیک به خودمان نیافته بودم.

به ترجمه "ماجرای مائیتا" نشستیم، زیرا علاوه بر محتوای غنی، زبان ساده و تکنیک پیچیده وارگاس یوسا لذتی مداوم بود. از آنجا که دشواری فعلی کار چاپ، زمان عرضه ترجمه فارسی کتاب را نامشخص کرده است، بهتر آن دیدم که گزارشی هرچند مختصر از این رمان در اختیار خوانندگان قرار دهم، شاید کسانی بخواهند آن را به زبان دیگری مطالعه کنند.

رمان "ماجرای مائیتا" در سال ۱۹۸۳ نوشته شده و ترجمه فرانسوی آن که برای ترجمه فارسی مورد استفاده قرار گرفته مربوط به سال ۱۹۸۶ است که به وسیله انتشارات گالیلیمار منتشر شده است.

نویسنده کتاب به خاطر می‌آورد بیست و پنج سال پیش، هنگامی که ساکن پاریس بود، روزنامه "لوموند" خبر کوتاهی در باره شکست سریع اقدام مسلحانه‌ای در کوهستان

پرو منتشر کرده بود و او نام همکلاسی دوران مدرسه‌اش را باز شناخته بود که بعدها دیگر خبری از او نداشت و نمی‌دانست چگونه این نوجوان چاق و آرام که همه فکر می‌کردند روزی کشیش شود املحه به دست، حرکت چریکی را رهبری کرده است. اکنون نیز در باره این همکلاسی و نخستین اقدام مسلحانه کشورش چیز بیشتری نمی‌دانست. اما حرکت‌های چریکی به تدریج افزایش یافته و حمایت بخشی از کشاورزان سرخپوست کشور را به خود جلب کرده بودند. درگیری بین چریک‌ها و نیروهای دولتی به دخالت کشورهای بیگانه انجامیده بود که به حمایت از نیروهای انقلابی در مرزهای کشور مستقر شده بودند. دولت هم از کارشناسان و ارتش آمریکا خواسته بود برای مقابله با آنان به یاری‌اش بشتابد.

● یکی از ویژگیهای کار ادبی «ماریسو وارگاس یوسا» تنوع موضوعاتی است که برمی‌گزینند. او در زمره آن نویسندگانی نیست که همیشه یک نوع کتاب می‌نویسند.

● نویسنده، کتاب خود را به شیوهٔ زمان - پژوهش بنا کرده و به جستجوی تمام‌گسائی است که «مائیتای» انقلابی را می‌شناخته‌اند و می‌توانند اطلاعاتی دربارهٔ چندی و چون حرکت مسلحانه‌اش در اختیار او قرار دهند.

● در آخرین فصل رمان نویسنده مائیتای واقعی را می‌یابد که ۶۵ ساله است و در یک دکان بستنی فروشی حومه فقیر نشین لیما به پیشخدمتی اشتغال دارد و پازن و فرزندانش در زاغه زندگی می‌کنند.

در این کارزار آشفته، همکلاسی او مائیتا و نخستین حرکت انقلابی مسلحانه در پرو بکلی فراموش شده است. نویسنده کتابش را به شیوه "رمان - پژوهش" بنا کرده و به جستجوی تمام‌گسائی است که مائیتا را می‌شناخته‌اند و می‌توانند اطلاعاتی در باره چندی و چون حرکت مسلحانه‌اش در اختیار او قرار دهند.

کتاب ده فصل دارد، در هر فصل با یکی از افرادی که مائیتا را به هنگام آغاز این ماجرا می‌شناخته آشنا می‌شویم و بخشی از شخصیت و سرگذشت او را به ما می‌شناساند. هر کس از دیدگاه خود و در ربط با مسائل آن روز و منافع امروز مائیتا را معرفی می‌کند. نویسنده در پی تطبیق گفته‌های شهود با یکدیگر نیست و انتظار پاسخ دقیق و

صحيح را هم ندارد. همه می‌خواهند ناشناس بمانند و ضرورت پرداختن به ماجرائی فراموش شده را در نمی‌یابند. نویسنده به آنان اطمینان می‌دهد که نامها و وقایع تغییر داده خواهد شد و توضیح می‌دهد که برای بهتر دروغ گفتن به شناخت دقیق حقیقت احتیاج دارد. در پی یافتن این افراد به هر سو می‌رود: مجلس سنا، مرکز تحقیقاتی فعالیت برای توسعه، محله اعیان‌نشین، محله کارمندان، محله‌های فقیرنشین و زاغه‌های حاشیه شهر لیما. به شهر خائوخوا در کوهستان مرتفع سفر می‌کند و تا روستای سرخپوست‌نشین که آخرین نقطه شکست است پیش می‌رود. برای یافتن مائیتای واقعی به زندان لیما مراجعه می‌کند که او بیش از نیمی از عمرش را در آنجا گذرانده است.

در هر فصل کتاب با دو مائیتا آشنا می‌شویم. یکی مائیتائی که پاسخ‌دهنده معرفی می‌کند و دیگری مائیتا به گمان نویسنده آزاده‌ای که موضع تفاهم را برگزیده است و به داوری هیچ کس و هیچ رویدادی نمی‌پردازد. نویسنده با مهارت، زمان حال و زمان واقعه را به هم در می‌آمیزد. گفت و شنودها در چند سطح جریان دارند و از جمله‌ای بین پرسش‌کننده و پاسخ‌دهنده در زمان حال، با نرزی به جمله‌ای بین مائیتا و یکی از افراد درگیر در ماجرای بیست و پنج سال پیش می‌لغزند، بدون آن که خواننده حتی لحظه‌ای سردرگم شود.

زبدۀ ماجرا از این قرار است که مائیتا - انقلابی حرفه‌ای - در حدود چهل سالگی در یک مجلس میهمانی خانوادگی به طور تصادفی با افسر جوانی آشنا می‌شود که با حرارت از انقلاب و جنگ چریکی سخن می‌گوید بدون آنکه از مسائل نظری مارکسیسم چندان آگاهی داشته باشد و در تأیید گفته‌هایش به مبارزه فیدل کاسترو در کوهستان‌های کوبا اشاره می‌کند که قصد برانداختن رژیم باتیستا را دارد. ناخواسته، رشته الفتی بین انقلابی زیرزمینی و افسر جوان برقرار می‌شود. افسر جوان از هسته فعالی که با کمک جوانان و کارگران و سرخپوستان روستائی در شهر کوهستانی خائوخوا تشکیل داده سخن می‌گوید. مائیتا این برخورد را به کمیته مرکزی حزب کارگران انقلابی (هوادر تروتسکی) که خود عضو آن است گزارش می‌دهد. پس از بحث‌های پایان‌ناپذیر عاقبت کمیته مرکزی مائیتا و دو عضو دیگرش را مامور می‌کند تا گزارش دقیق‌تری از هسته انقلابی خائوخوا تهیه کنند. این حزب که پس از انشعاب از حزب کارگران تشکیل شده بود فقط هفت عضو دارد که همگی در کمیته مرکزی فعالیت می‌کنند. تعداد اعضای حزب کارگران هم قبل از انشعاب از بیست نفر متجاوز نبوده است! البته این آدینه/ شماره ۱۹/ ۳۵

دو حزب هوادارانی نیز در سندیگاهای کارگری و در میان دانشجویان داشته‌اند. مائیتا به خائوخوا می‌رود و با هسته جنگ چریکی آشنا می‌شود. آنان نقشه عملی نخستین اقدام مسلحانه خود را با ذکر جزئیات به اطلاع او می‌رسانند. انقلابی حرفه‌ای، افسرده و خسته از بی‌عملی، تحت تاثیر شور انقلابی آنان قرار می‌گیرد و از جانب حزبش و سندیگاه‌های کارگری لیما قول پشتیبانی و همکاری می‌دهد. در بازگشت گزارش سفرش و قولی را که داده به آگاهی کمیته مرکزی می‌رساند. در یک جلسه بسیار متشنج مائیتا از حزب اخراج می‌شود. به سراغ مسئول حزب کمونیست طرفدار مسکو می‌رود (او قبلاً به خاطر گرایش به تروتسکیسم از این حزب اخراج شده بود) و می‌گوید آماده است که در مقابل حمایت حزب کمونیست از این حرکت چریکی، افتخار رهبری را به آن واگذار کند. مسئول حزب او را به ریشخند می‌گیرد و از خود می‌راند. مائیتا به خاطر قولی که داده، دست خالی و به تنهایی عازم کوهستان می‌شود. اقدام مسلحانه به دقت توسط افسر جوان طرح‌ریزی شده و افراد گروه‌های مسئول اشغال پادگان و زندان و پستخانه و مصادره

بانک تعیین شده‌اند. اما در روز حادثه به غیر از مائیتا و چند نوجوان دبیرستانی هیچ یک از اعضای هسته انقلابی در محل‌های تعیین‌شده حاضر نمی‌شوند. افسر جوان (که خود مسئول پادگان و زندان است) سربازانش را خلع سلاح می‌کند و دو رهبر روستائی سرخ پوست را که به خاطر مبارزه برای بازپس گرفتن زمین‌های سرخ‌پوستان زندانی بوده‌اند آزاد می‌کند و به آنان می‌قبولاند که همراه نوجوانان انقلابی و با اسلحه مصادره‌شده از پادگان و پل مصادره‌شده از پادگان و پل مصادره‌شده از پادگان به روستای خود بازگردند و قیام مسلحانه را سازمان دهند. هنوز بیست و چهار ساعت از اشغال نقاط حساس خائوخوا نگذشته که قوای دولتی آنان را در کوهستان محاصره می‌کند (قطع ارتباط تلفنی خائوخوا با مرکز فراموش شده بود) افسر جوان کشته و بقیه دستگیر می‌شوند. مائیتا به زندان طولانی محکوم می‌شود و نوجوانان با ضمانت اولیای خود آزاد می‌شوند. به دنبال این ماجرا احزاب زیرزمینی به شدت سرکوب می‌شوند. سپس در طول زمان و با اوج‌گیری فعالیت چریکی گروه‌های جدید، این نخستین حرکت مسلحانه از پادگان می‌رود.

نویسنده افراد مورد پرسش را به نحوی برگزیده که از آنچه در بالا آمد به تدریج طی نه فصل کتاب آگاهی می‌یابیم و علاوه بر آن با افراد و محیط اطراف مائیتا و با تحولات جامعه شهری و روستائی پرو آشنا می‌شویم. ضمناً با جنبه‌هایی از زندگی خصوصی مائیتا مانند از دست دادن اعتقاد مذهبی، ازدواج نافرجامش و همجنس‌گرایی‌اش واقف می‌شویم که ظاهراً با فعالیت انقلابی او چندان رابطه‌ای ندارد، اما نشان می‌دهد که حتی یک انقلابی حرفه‌ای تک بعدی نیست بلکه مجموعه حوادث زندگی‌اش به شخصیت او شکل می‌دهند.

در فصل دهم نویسنده مائیتای واقعی را می‌یابد که شصت و پنج ساله است و در یک دکان بستنی‌فروشی حومه فقیرنشین لیما به پیشخدمتی اشتغال دارد و با زن و فرزندانش در زاغهای زندگی می‌کند. سخنان نویسنده را در سکوت می‌شنود و تنها اعتراض این است که چرا به او نسبت همجنس‌گرایی داده است.

کتاب "ماجرای مائیتا" را خواننده با تحسین دنبال می‌کند و با گلوئی بغض‌گرفته به پایان می‌برد.

"من هیچ آدمی مهربان‌تر از اریک فرید نمی‌شناسم، منظوم مهربان در اعماق وجودش، مهربان از ته قلب است. می‌توانستم از انسان دوستی صحبت کنم، انسانیت، و انسان بودن. ولی مهربانی با ارزش‌تر است. مهربانی حلقه اتصال او به جهان است."

این توصیف ویلندشمید روزنامه‌نگار و نویسنده، ابتدا حیرت‌انگیز است مخصوصاً که به یکی از معترض‌ترین شخصیت‌های ادبی بعد از جنگ آلمان اطلاق شده است. اگر این ارزشیابی که ادبیات وجدان منفی روزگار ما است درست باشد در مورد آثار اریک فرید تعریفی دقیق و بی‌چون و چوچرا است. اریک فرید برنده جایزه ادبی بوکتر در سال ۱۹۸۷ است. او از سال ۱۹۵۸ تعداد زیادی کتاب شعر، یک رمان، متن یک اپرا، تعدادی نمایشنامه رادیویی و تعداد زیادی متن ترجمه‌شده (که در کنار متون شکسپیر بیشتر آثار ت. س. الیوت و ویلان توماس را می‌توان در میان آنها دید) به چاپ رسانده است. فرید یکی از موفق‌ترین شعرای آلمانی زبان معاصر است. مجموعه اشعار عاشقانه او که در ۱۹۷۹ به چاپ رسید به تیراژ ۱۶۰ هزار نزدیک شد. فعالیت این شاعر از نظر منتقدان وحشتناک است و گاهی سروده‌های او به یک دوجین شعر در روز می‌رسد. البته او همچنان که بعضی از بهترین شعرهای زمان خود را سروده به سرودن بعضی از بتدرین اشعار زمان خود هم محکوم شده است.



## برنده جایزه ادبی بوکتر

بی‌خانمانی از اصلی‌ترین تجربیات زندگی اریک فرید است. او در سال ۱۹۲۱ در یک خانواده یهودی در وین متولد شد و در ۱۹۳۴ شاهد حمله فاشیستها و دستگیری والدینش در ۱۹۳۸ بوده است. پدر اریک پس از اینکه مورد بازجویی گشتاپو قرار گرفت

درگذشت و او در ۱۹۳۹ از طریق بلژیک به لندن گریخت. از ۱۹۵۲ تا ۱۹۶۸ فرید در دپارتمان آلمانی بی‌بی‌سی مشغول کار شد و متون سیاسی که به وسیله او تهیه می‌شد از توجه خاصی برخوردار بود.

سبک فرید به سختی در طبقه‌بندی خاصی می‌گنجد. او تعداد زیادی اشعار عاشقانه سروده ولی پیش و بیش از آن اشعار سیاسی دارد. او کمتر از یک لحن اعتراف سوپزکتیف که امروز بر بیشتر شعر معاصر حاکم است استفاده می‌کند. فرید به زبان اعتماد ندارد.

"پیتر رومکف" می‌گوید: "اشعار او واحدهائی هستند کلید گشایش رمز... مناسب پرده برداشتن و روشن کردن عمیق روشهای مبهم و پوشیده زبانی." رادیکالیزم شدید در جهتی که فرید از دهه ۶۰ در استفاده از تکنیکهای تجربی زبان و حمایت غیرمتعهد از خط سوسیالیزم غیردگم و اومانیست بر آن تاکید کرد او را در اپوزیسیون خاصی قرار داد.

فرید در ۱۹۶۴ رسماً از بازگشت به آلمان اظهار بی‌میلی کرد ولی همیشه خود را یک شاعر آلمانی می‌داند.

او با حمله به صهیونیسم و جنایات اسرائیل در فلسطین در مجموعه شعری که در ۱۹۷۴ به چاپ رساند تابوی بزرگی را شکست.

کوتاه‌شده از خبرنگار فرهنگی آلمان